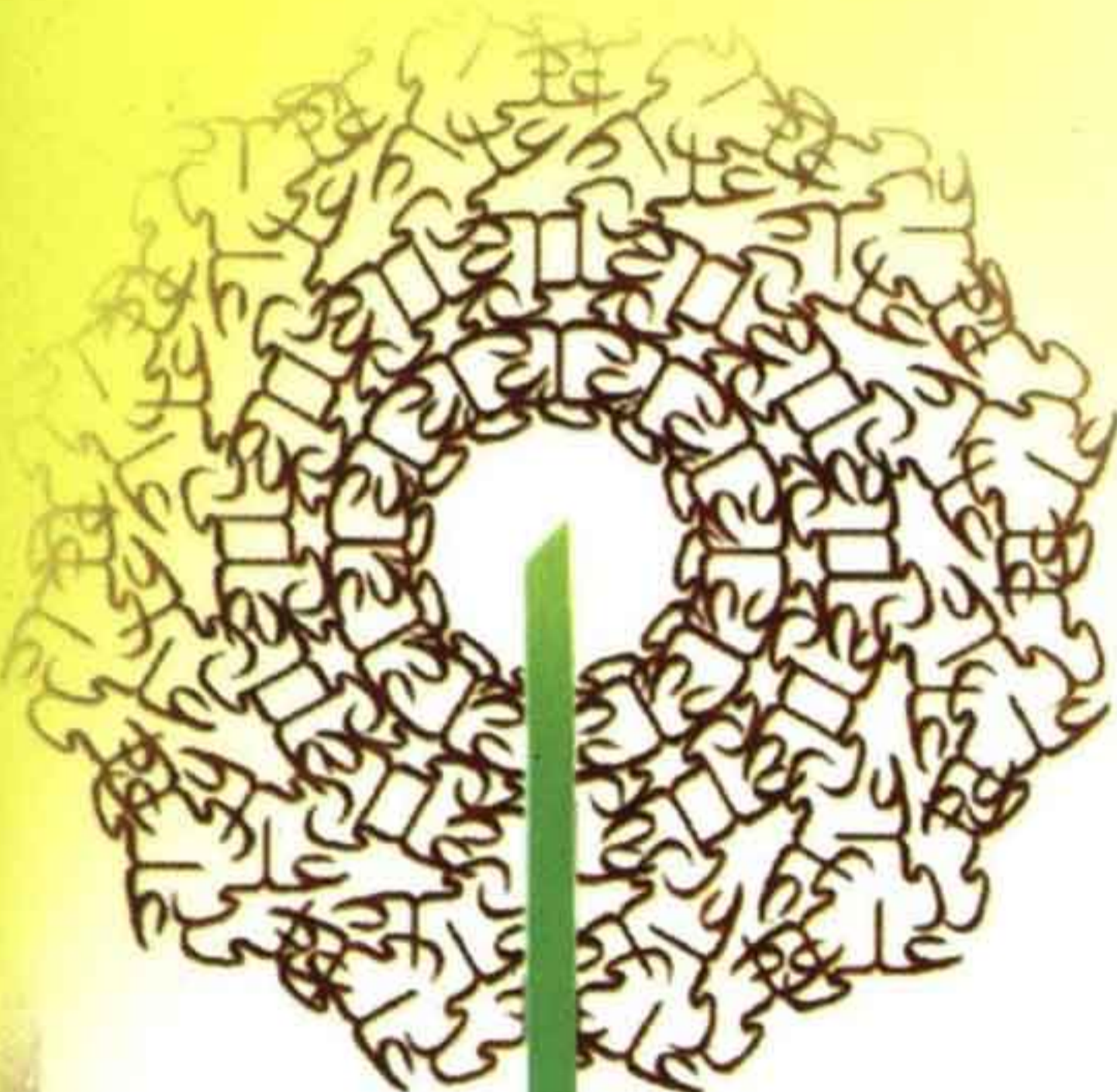


# از غدیر تا ظهور

نویسنده : مهدی عابدینی



فہرنا  
مفتولہ  
مولاہ



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# از غدیر تا ظهور

نویسنده: مهدی عابدینی

نام کتاب ..... از غدیر تا ظهور

نویسنده ..... مهدی عابدینی

ناشر ..... انتشارات انتظار مهر

شمارگان ..... ۳۰۰۰ جلد

چاپ ..... اول پائیز ۱۳۸۸

چاپخانه .....

شابک ..... ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۴۲۶-۳-۷

مراکز بخش: مشهد مقدس - صندوق پستی: ۱۶۴۹-۹۱۳۷۵

تلفن: اس: ۰۹۱۵۵۱۸۲۳۳۷ - شاهرود: ۰۹۱۲۷۷۳۱۷۰۲

قیمت: ۴۵۰ تومان

## مقدمه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

محمود بن لبید می گوید به حضرت فاطمه زهرا سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهَا  
عرض کردم: ای بانوی من سؤالی دارم که در سینه من خَلْجَان  
کرده و می خواهم از شما پرسم؟ فرمود: پرس، عرض کردم:  
آیا رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ پیش از مرگش به امامت علی بِالنَّبَا تصریح  
کرد؟

فرمود: بسیار عجیب است! آیا روز غدیر خم را فراموش  
کرده‌اید؟ عرض کردم: بلی (قصه غدیر خم) صحیح است، ولی  
به آنچه در پنهانی رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ به شما خبر داده مرا آگاه  
فرما.

فرمود: خدا را گواه می گیرم که شنیدم می فرمود: علی  
بهترین کسی است که او را پس از خود در میان شما

می گذارم؛ و او امام و خلیفه بعد از من می باشد و پدر دو سبط من است و نه تن از صلب حسین امامان نیکوکارند که اگر پیرویشان کنید ایشان را راهنمایانی هدایت کننده و هدایت شده می یابید و اگر مخالفشان کنید اختلاف تا روز قیامت در میان شما باشد.

عرض کردم: ای بانوی من پس برای چه از گرفتن حقش خودداری کرد؟ فرمود: ای ابا عمر رسول خدا ﷺ فرمود: مثل امام - (یا آنکه فرمود: مثل علی) - همانند کعبه است که به سوی او روند و او به جانب کسی نیاید؛ سپس فرمود: به خدا سوگند اگر حق را بر اهلش واگذار کرده بودند و از عترت پیغمبرشان پیروی کرده بودند درباره خداوند دو نفر با هم اختلاف نمی کردند و گذشتگان و آیندگان امامت را از هم ارث می بردند تا قائم ما که نهمین فرزند حسین است قیام کند،

و لکن آن کس را که خدایش به عقب انداخته مقدم داشتند و  
آن کس را که خدایش تا آن گاه که فرستاده حقّ و رسول خدا را  
در لحد نهاده و به خاک سپردند و خواسته دل خود را برگزیده  
و پیرویش کردند و به رأی خود عمل نمودند، نابودی بر آنها  
باد<sup>۱</sup>.

---

(۱) بحار الانوار: ج ۳۶ ص ۳۵۳.

## غدیر

غدیر تنها يك واقعه تاریخی نیست که در لابلای تاریخ باید آن را جستجو کرد؛ و یا فقط نام يك سرزمین نیست که باید در جغرافیای جهان آن را یافت. غدیر يك فرهنگ است، يك تفکر و يك عقیده است؛ نقطه اتصال کاروان رسالت با کاروان امامت اگر چه به ظاهر محل افتراق کاروانهای حج است؛ غدیر ثمره عالم خلقت و نتیجه تمام مکاتب توحیدی است؛ و غدیر سر آغاز خوش يك پایان زیباست.

هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به سوی مدینه است در تاریخ اسلام و حتی تاریخ بشریت، به عنوان نقطه عطفی به شمار می آید. بعد از این هجرت، آن حضرت سه بار دیگر نیز به مکه سفر کردند؛ بار اول در سال هشتم هجری پس از صلح حدیبیه و به عنوان عمره؛ بار دوم در سال نهم هجری جهت

فتح مکه و سومین و به نوعی مهمترین آنها در سال دهم هجری که موسوم شد به «حَجَّةُ الْوِدَاع» که حضرتش برای اولین بار به طور رسمی اعلان حج دادند تا در حدّ امکان همه مردم حاضر شوند. جمعیتی بالغ بر یکصد و بیست هزار نفر از اطراف راهی مکه شدند تا دو حکم مهمّ از دستورات الهی و قوانین اسلام که هنوز به طور رسمی و کامل بیان نشده بود بشنوند، هر چند خود از این موضوع آگاه نبودند؛ یکی آداب حجّ و دیگری مسئله ولایت و جانشینی بعد از پیامبر ﷺ.

دستور اوّل را مسلمانان آنگونه که رسول اکرم ﷺ اعمال حجّ را انجام دادند آموختند؛ و اما موضوع دوم که مهمترین حساسترین مسئله درباره آینده رسالت هر رسول الهی است خصوصاً رسالت حضرت محمد ﷺ چون آخرین رسول است

---

(۱) بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۲۰۱.



و آورنده آخرین دین الهی که می‌بایست تا روز قیامت ماندگار باشد. از آنجا که موضوع از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بود و ویژگی منحصر به فردی داشت، تا آن اندازه که خداوند آن را مکمل رسالت نامید. لذا زمینه سازی برای ابلاغ این امر مهم لازم بود؛ از اینرو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور الهی زمینه را اینگونه مهیا فرمودند<sup>۱</sup>:

در عرفات از سوی پروردگار دستور آمد که علم انبیاء صلی الله علیه و آله و امانتهای ایشان را به علی بن ابیطالب رضی الله عنه بسپارد و او را به عنوان خلیفه و جانشین خود معرفی کند.

در منی، پیامبر صلی الله علیه و آله اولین خطبه را ایراد فرمودند و یا بهتر بگوییم اولین قدم را برای ابلاغ این امر مهم برداشتند. در این خطبه ضمن بیان مطالبی در باره اهمیت امنیت جان و مال و

---

(۱) سوره مائده: آیه ۳.

آبروی مسلمانان، تصریح فرمودند: «اگر من نباشم علی بن ابیطالب در مقابل متخلفین خواهد ایستاد». آنگاه حدیث ثقلین را بر زبان مبارک جاری فرمودند: «من دو چیز گرانبها در میان شما باقی می‌گذارم که اگر به این دو تمسک کنید هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم (یعنی اهل بیت)». جالب اینکه در بیان این خطابه امیر المؤمنین علیه السلام فرمایشات آن حضرت را برای مردم تکرار می‌کردند تا آنانکه دورتر بودند نیز بشنوند<sup>۱</sup>.

۲- زمینه سازی بعدی یا قدم دوم: روز سومی که در منی توقف داشتند بار دیگر آن حضرت دستور فرمودند تا مردم در مسجد خیف اجتماع کنند در آنجا نیز با بیان خطبه‌ای مسلمانان را به اخلاص در عمل و دلسوزی برای امام مسلمین

---

(۱) بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۱۱۳.

و تفرقه نینداختن سفارش فرمودند.

در این خطبه ضمن اشاره مجدد به مسئله خلافت، دوباره حدیث شریف ثقلین را بیان فرمودند و صراحتاً از مردم خواستند که گفته‌هایش را خوب بخاطر بسپارند و به غائبان نیز برسانند. نکته قابل توجه در اینجا اینکه: بعد از این خطبه، منافقین خطر را کاملاً حس کردند و قضیه خلافت را جدی گرفتند و ضمن نوشتن پیمان نامه‌ای، نقشه‌های شوم خود را آغاز نمودند<sup>۱</sup>.

۳- حرکت بعدی اینکه: در مکه، جبرئیل از جانب پروردگار لقب «امیر المؤمنین» را اختصاصاً برای علی بن ابیطالب علیه السلام به ارمغان آورد، هر چند این لقب قبلاً برای آن حضرت تعیین شده بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز دستور فرمودند تا

---

(۱) بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۱۱۴.

يك يك اصحاب نزد حضرت علی علیه السلام بروند و به عنوان  
 امیر مؤمنان با جمله «السّلام علیک یا امیر المؤمنین» بر ایشان  
 سلام کنند و بدینوسیله در زمان حیات پیامبرشان بر امیر بودن  
 علی بن ابیطالب علیه السلام اقرار کنند. نکته‌ای که باید مورد توجه  
 قرار بگیرد اینست که: در اینجا ابوبکر و عمر به پیامبر صلی الله علیه و آله  
 اعتراض کردند که: آیا این حقی از طرف خدا و رسولش  
 است؟ رسول مهر و محبت در اینجا با غضب فرمودند: «حقی  
 است از طرف خدا و رسولش، خداوند این دستور را به من  
 داده است.»<sup>۱</sup>

### **فراخوان عمومی برای حضور در غدیر:**

هر چه کردیم تا جهت طولانی نشدن کلام در این نوشتار از  
 برخی مطالب بگذریم، ممکن نشد و حیف دیدیم تا ما نیز در

---

(۱) بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۱۲۰.

بیان مهمترین واقعه‌ی عالم خلقت بعد از رسالت پیامبر اکرم ﷺ سهیم نباشیم؛ لذا از جزئیات پرهیز کرده و به کلیاتی از وقایع روز غدیر اشاره می‌کنیم تا اهمیت این امر مهم از نظر ظاهر نیز معلوم گردد و برای اطلاع از جزئیات بیشتر، عزیزان را به مطالعه کتابهای روایی و تاریخی ارجاع می‌دهیم.

### غدیر کجاست؟

مکانی که به امر الهی انتخاب گردید محلّ افتراق اهل مدینه و اهل مصر و اهل عراق و اهل نجد بود که کمی قبل از «جُحْفَه» قرار داشت.

جُحْفَه یکی از میقات‌های پنجگانه حج است که تقریباً در ۲۵۰ کیلومتری مکه قرار دارد و غدیر در لغت به آبگیر و چاله‌های بیابانی گفته می‌شود که انتظار ریزش باران یا گذر سیلی هستند تا از آن بگیرند، زلال کنند و به مسافران تشنه

صحرا تقدیم کنند. و اما غدیری که در این مکان قرار داشت  
خُم بود و خُم به هر چیز فاسدی که بد بو باشد گفته می شود؛  
بنابراین آب این محلّ مسموم و قابل استفاده برای مسافران  
نبود از اینرو کاروانها در این مکان توقف نمی کردند. (شاید  
یکی از دلایل انتخاب چنین مکانی با آن شرایط سخت از  
سوی خداوند حکیم و رسول مهربانش که هرگز به مشقت  
حیوانات راضی نمی شد چه رسد به انسانها و آن هم  
مسلمانان، این بوده تا جوابی باشد به بهانه جویی و یاوه گویی  
آنانی که گفته اند و می گویند که منظور از اعلام ولایت، اعلام  
دوستی است! آیا در چنین شرایط طاقت فرسایی کدام عقل  
سلیم باور می کند که فقط بیان این مطلب بوده که «مردم من  
علی را دوست دارم پس شما هم دوست داشته باشید» هر  
چند به همین هم عمل نشد)

بعد از اتمام مناسک حج، رسول الهی ﷺ به منادی خود بلال دستور فرمودند تا به مردم اعلام کند که فردا بجز معلولان کسی باقی نماند و همه حرکت کنند تا در موعد مقرر در غدیر خم حاضر باشند و این دور از انتظار مردم بود که آن حضرت بعد از مدت‌ها دوری از مکه در آنجا توفقی فرمایند! صبح فردا پیامبر ﷺ با جمعیتی بیش از ۱۲۰ هزار نفر (که تا ۱۴۰ هزار و ۱۸۰ هزار نفر نیز نقل شد) به راه افتادند، حتی عده‌ای در حدود ۱۲ هزار نفر از اهل یمن نیز که اصلاً مسیرشان به سمت شمال نبود همراه آن حضرت تا غدیر آمدند.

### ترسیمی از صحنه غدیر:

«أَيُّهَا النَّاسُ أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ» این فرمایش

(۱) بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۱۵۸.

رسول خدا ﷺ بود هنگامیکه در منطقه «کُرَاعُ الْغَمِيمِ» مسیر حرکت خود را به سمت غدیر تغیر دادند و این به معنای فرا رسیدن زمان ابلاغ پیام مهمی بود. آنگاه دستور دادند که منادی اعلام کند تا همه مردم بایستند و آنهایی که جلو رفته‌اند باز گردند و آنانی که عقب مانده‌اند برسند؛ و نیز فرمان دادند که کسی به زیر درختان کهنسالی که در آنجا قرار داشتند نرود تا آن مکان خالی بماند! این در حالی بود که شدت گرما و حرارت بسیار سوزان و ناراحت کننده بود تا حدی که آن حضرت نیز گوشه‌ای از لباس خود را بر سر کشیده و گوشه دیگر را بر زیر پا انداخته بودند. در این میان سلمان، ابوذر، مقداد و عمار به دنبال دستور پیامبر اکرم ﷺ خارها و سنگهای زیر درختان را جمع کرده و آنجا را جارو زده و آب پاشیدند و با انداختن پارچه روی شاخه‌ها، برای برنامه سه



روزه آن حضرت سایبان درست کردند. در زیر سایبانها، با چیدن سنگها بر روی هم و با کمک جهاز شتران به بلندای قامت رسول خدا ﷺ منبری ساختند که در وسط جمعیت قرار می گرفت تا آن حضرت بر همه اشراف داشته و تمام مردم ایشان را ببینند و صدای ایشان را بشنوند. (هر چند ربیعة بن اُمیة بن خلف کلام آن حضرت را برای افرادی که دورتر بودند تکرار می کرد)

### بر فراز منبر:

کم کم زمان موعود فرا می رسید ندای دعوت به نماز بلند شد و نماز ظهر به جماعت اقامه گردید و اینک پایان انتظارها؛ مردم نظاره می کردند که مهربانترین مخلوقات به ایشان بر فراز منبر ایستادند و آن منادی حق و حق پرستی در مقام «بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» امیرالمؤمنین علیه السلام را فرا خوانده و دستور

فرمودند تا در سمت راست ایشان و بر بالای منبر بایستند، سپس با نگاه به سمت چپ و راست و اطمینان از جمع شدن و آمادگی مردم؛ خطبه تاریخی خود را که ضامن سعادت انسانها تا قیامت و بعد از آن بود بنا به دستور الهی ایراد فرمودند<sup>۱</sup>.

### تأکید بر ابلاغ:

برای تأیید بر اموری اینگونه مهم و تأثیر گذار در عالم خلقت و برای جلوگیری از هر گونه توطئه دشمنان، تأکیداتی نیز نیاز است آنگونه که خداوند با نزول آیه ولایت با آن ویژگی منحصر بفرد مهر تأیید بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام زد تا ادعای مدعیان دروغین «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» بر همگان ثابت شود.

از اینرو در اثنای خطبه، پیامبر الهی صلی الله علیه و آله دو کار را انجام

---

(۱) بحار الانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷ و ج ۳۷ ص ۱۵۲.

دادند تا توجه مردم برای تأکید بر این ابلاغ مهم جلب شود:

۱- بعد از بیان مطلب به صورت لسانی و ذکر مقام خلافت و ولایت حضرت علی علیه السلام فرمودند: «باطن قرآن و تفسیر آنرا برای شما بیان نمی کند مگر این کسی که من دست او را می گیرم و او را بلند میکنم و بازویش را گرفته و بالا می برم». سپس بازوی علی بن ابیطالب علیه السلام را گرفتند و هر دو دستان خود را به سوی آسمان قرار دادند و سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام را از جا بلند کردند تا حدی که پاهای آن حضرت محاذی زانوهای پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت و سفیدی زیر بغل آن دو عزیز نمایان شد که تا آن روز سابقه نداشت! در این حال فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»<sup>۱</sup>.

۲- اقدام دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که در اواخر

(۱) بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۲۰۹.

سخنانشان فرمودند: ای مردم چون با يك كف دست و با این وقت کم و با این جمعیت زیاد امکان بیعت برای همه وجود ندارد، پس همه شما این سخن مرا تکرار کنید: «ما فرمان تو درباره علی بن ابیطالب و امامان از فرزندانش که از جانب خداوند به ما رساندی، اطاعت می‌کنیم و به آن راضی هستیم و با قلب و جان و زبان و دستمان با تو بر این مدعا بیعت می‌کنیم... عهد و پیمان از ما برای ایشان در این باره، از قلبها و جانها و ضمائر و دستانمان گرفته شد، هر کس با دستش نتوانست با زبانش به آن اقرار کرده است.» و این بیعت عمومی بود که از همه مردم گرفته شد<sup>۱</sup>.

### **مراسم بعد از خطبه:**

در پایان خطبه، اتفاقات قابل توجهی در مدت سه روز رخ

---

(۱) بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۲۱۵ و ۲۱۶.

داد که باز هم جهت جلوگیری از اطاله کلام و رسیدن به اصل مطلب، به صورت گذرا به آنها اشاره خواهیم داشت:

۱- بیعت از مردان: با پایان یافتن خطبه، صدای مردم بلند شد که: «آری شنیدیم و طبق دستور الهی و رسول خدا، با قلب و جان و زبان و دستان اطاعت می‌کنیم.» سپس برای تبریک و تهنیت و بیعت کردن به سوی پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ هجوم بردند؛ رسول خدا هم می‌فرمود: «الحمد لله الذي فضلنا على جميع العالمين». آنگاه برای جلوگیری از ازدحام جمعیت و رسمیت دادن بیشتر به این امر، پیامبر اکرم ﷺ فرمان دادند تا دو خیمه بنا کنند یکی را مخصوص خود و دیگری هم برای خلیفه مسلمین علی بن ابیطالب ﷺ؛ بدین صورت که مردم ابتدا به خیمه پیامبر ﷺ می‌آمدند و ضمن عرض تبریک، با ایشان بیعت می‌کردند؛

سپس به خیمه جانشین ایشان و امام و مولای خود می‌رفتند و با ایشان بیعت می‌کردند و به عنوان «امیر المؤمنین» بر آن حضرت سلام کرده و تبریک می‌گفتند. جالب اینجاست اولین کسانی که در غدیر با امیر المؤمنین علیه السلام بیعت کردند عبارت بودند از: ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه و زبیر! که البته به گواه تاریخ اینان اولین کسانی هم بودند که پیمان شکستند و استاد پیمان شکنی برای دیگران شدند حتی به زور!! تاریخ از ثبت این گفته عمر در همان لحظات اول نیز غافل نشده و آن را به عنوان يك سند معتبر مبنی بر خیانت و نفاق حفظ کرده که:

«بَخَّ بَخٌّ لَكَ يَا عَلِي، أَصْبَحْتُ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ»

هر چند بر این بیعت به پیامبر الهی صلی الله علیه و آله اعتراض داشت.

۲- بیعت از زنان: رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور فرمودند تا ظرف

آبی بیاورند آنگاه پرده‌ای زدند که نیمی از ظرف آب در يك

طرف پرده و نیم دیگر در طرف دیگر قرار گرفت؛ سپس  
 امیر مؤمنان علیه السلام دست خود را در يك سو داخل ظرف آب قرار  
 داد و زنها نیز به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله در پشت پرده و از سوی دیگر  
 دست خود را درون آب قرار می دادند و ضمن گفتن تبریک و  
 تهنیت با مولای خود بیعت می کردند؛ این مسئله برای  
 همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی آن حضرت بیشتر مورد تأکید بود.  
 از مهمترین شاهدان این بیعت بی بی دو عالم حضرت فاطمه  
 زهرا علیها السلام بود<sup>۱</sup>.

۳- عمامه سحاب: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این مراسم، عمامه  
 خود بنام «سحاب» را به عنوان تاج افتخار بر سر  
 امیرالمؤمنین علیه السلام گذاشته و انتهای آن را بر دوش آن حضرت  
 آویخت.

(۱) بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۱۶۶ و ۲۱۷.

امیر مؤمنان علیه السلام خود را در این باره چنین می فرماید:  
«پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم، عمامه‌ای بر سرم بستند و یک  
طرف آن را بر دوشم آویختند و فرمودند خداوند در روز بدر  
و حنین مرا به وسیله ملائکه‌ای که چنین عمامه‌ای بر سر  
داشتند یاری فرمود.»<sup>۱</sup>

۴- شعر غدیر: یکی دیگر از برنامه‌ها در مراسم پر شور و پر  
معنای غدیر شعری بود که حَسَّان بن ثابت دربارہ علی بن  
ابیطالب علیه السلام سروده بود و خواست تا آن را با اجازه پیامبر  
اکرم صلی الله علیه و آله بخواند که آن حضرت فرمودند بخوان به برکت  
خداوند، و حَسَّان با این جمله اشعار ماندگار خود را که گواهی  
شد بر حقانیت غدیر آغاز کرد:

«ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضاء پیامبر

---

(۱) ترجمه الغدیر: ج ۲ ص ۲۱۱.



گوش کنید.»

أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ النَّبِيَّ مُحَمَّدًا لَدَى دَوْحٍ خُمٍّ حِينَ قَامَ مُنَادِيًا

آیا نمی دانید که محمد پیامبر خدا ﷺ کنار درختان غدیر خم

با حالت ندا ایستاد

وَقَدْ جَاءَهُ جِبْرِيْلُ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ بِأَنَّكَ مَعْصُومٌ فَلَا تَكُ وَاِنِيَا

واین در حالی بود که جبرئیل از طرف خداوند پیام آور بود

که در این امر سستی مکن که تو محفوظ خواهی بود<sup>۱</sup>.

۵ - جبرئیل در غدیر: در پایان خطبه پیامبر اکرم ﷺ، به

نحو دیگری حجّت بر مردم تمام شد؛ بدینگونه که همگان

مردی زیبا و خوشبو را دیدند که در کنار مردم ایستاده بود و

می گفت: «به خدا سوگند روزی مانند امروز هرگز ندیده‌ام،

چقدر کار پسر عمویش را تأکید نمود و برای او پیمانی بست

---

(۱) بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۱۹۵. این شعر شامل ۱۰ بیت می باشد.

که جز کافر به خداوند و رسولش آن را بر هم نمی زند. وای بر کسی که پیمان او را بشکند». در اینجا عمر نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: شنیدی این مرد چه گفت؟! آن حضرت فرمودند: آیا او را شناختی؟ عرض کرد: نه. حضرت فرمودند: «او روح الامین جبرئیل بود، تو مواظب باش این پیمان را نشکنی که اگر چنین کنی خدا و رسول و ملائکه و مؤمنان از تو بیزار خواهند بود»!

۶ - اعجاز الهی: واقعه عجیبی بود که بسان معجزه‌ای در پایان طومار سه روزه غدیر، همچون امضای الهی ثبت گردید. در آخرین ساعات روز سوم حارث فہری به همراه دوازده نفر از اصحابش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای محمد! سه سؤال از تو دارم: آیا شهادت به یگانگی خداوند و پیامبری خودت را از جانب پروردگارت آورده‌ای یا پیش از خود

---

(۱) بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۲۱۹.

گفتی؟ آیا نماز و زکات و حج و جهاد را از جانب پروردگارت آورده‌ای یا پیش از خود گفتی؟ این علی بن ابیطالب که گفتی «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ...» از جانب پروردگار گفتی یا از پیش خود گفتی؟» آن حضرت در جواب هر سه سؤال فرمودند: «خداوند به من وحی فرموده و واسطه بین من و خدا، جبرئیل است؛ من اعلام کننده پیام خدا هستم و بدون اجازه او خبری را اعلان نمی‌کنم». حارث گفت: «خدایا اگر آنچه محمد می‌گوید حق و از جانب توست، سنگی از آسمان بر ما ببار یا عذاب دردناکی بر من بفرست» با پایان یافتن سخن حارث و به راه افتادنش، خداوند سنگی از آسمان بر سر او فرستاد که از مغزش وارد و از دُبُرش خارج گردید و همان جا او را هلاک کرد. بعد از این جریان، آیه: «سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ...»<sup>۱</sup> نازل شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمودند: آیا دیدید و شنیدید؟ گفتند: آری. با این معجزه بر

(۱) سوره معارج: آیه ۱.

همگان مُسلم شد که «غدیر» ریشه در منبع وحی دارد<sup>۱</sup>.

## پایان مراسم غدیر:

به این ترتیب مراسم غدیر به عنوان آیام الولاية، پس از سه روز پایان یافت و همه گروهها و قبائل با شناخت کامل از جانشین رسول خدا و بیعتی که با ایشان داشتند، پس از وداع با پیامبرشان به شهر و دیار خود بازگشتند. این واقعه به سرعت در شهرها و دیار دیگر انتشار یافت و به گوش همگان رسید و بدینگونه خداوند حجّتش یا بهتر بگوئیم نعمتش را بر همه مردم تمام کرد<sup>۲</sup>.

## سیری گذرا بر خطبه غدیر:

از آنجا که مجال پرداختن به همه مطالب و بخشهای

---

(۱) الغدیر: ج ۱ ص ۲۹۱ و بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۱۶۷.

(۲) بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۱۳۶ و ج ۴۱ ص ۲۲۸.

خطبه غدیر امکان پذیر نیست، لذا فرمایشات پیام رسان رحمت و مهربانی خداوند در این خطبه را تیتروار بیان کرده و سپس متناسب با موضوعی که در این فرمایشات مورد نظر ماست قسمتی از ترجمه را ذکر می‌کنیم:

۱- حمد و ثنای الهی: که پیامبر ﷺ بعد از ذکر صفات قدرت و رحمت خداوند، درباره بندگی و خضوع خود در برابر ذات الهی شهادت دادند.

۲- فرمان الهی برای ابلاغ مطلبی مهم: پیامبر ﷺ ضمن اشاره به دستور خاصّ خداوند درباره امامت و ولایت امیرالمؤمنین ﷺ، فرمودند: اگر این پیام را نرسانم رسالت الهی را انجام نداده‌ام و ترس از عقاب خداوند دارم.

۳- اعلان رسمی و ولایت و امامت دوازده امام ﷺ: که ضمن اشاره آن حضرت به ولایت آنان بر همه انسانها در همه

زمانها و مکانها و حجّت بودن فرمایشات ایشان در همه امور فرمودند: هر کس در این مسئله شك کند کافر و ملعون و مورد غضب الهی است.

۴ - معرفی و بلند کردن امیرالمؤمنین علیه السلام به دست مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله: در این قسمت برای از بین بردن دسیسه منافقین و جلوگیری از ایجاد هر گونه شبهه‌ای، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست حضرت علی علیه السلام را گرفتند و بلند کردند و به مردم صراحتاً نشان دادند که منظور این علی، و اینکه امامان بعدی تا روز قیامت از ذریه من و از نسل ایشان میباشند.

۵ - تأکید بر توجه امت به مسئله امامت: که هر کس از امامت این امامان سرباز زند اعمال نیکش از بین رفته و در جهنّم ابدی خواهد بود و ضمن بیان شمه‌ای از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام از علل اصلی مخالفت مردم با ائمه علیهم السلام را

حسادت ذکر فرمودند.

۶ - اشاره به کارشکنیهای منافقین: در اینجا آن حضرت ضمن تلاوت آیات لعن و عذاب فرمودند: «منظور از این آیات عذّهای از اصحاب من هستند که مأمور به چشم پوشی از آنان هستم ولی بدانید که خداوند ما را بر معاندین و مخالفین و خائنین و مقصّرین حجّت قرار داده است و چشم پوشی از آنان در دنیا مانع از آخرت نمی شود.» سپس به صورت رمزی به اصحاب صحیفه ملعونه اشاره فرمودند که اکثر مردم منظور آن حضرت را متوجّه نشدند، ولی حضرت به صراحت فرمودند که بعد از من مقام امامت را غصب کرده و آن را به صورت پادشاهی مطرح می کنند! و سپس غاصبین را لعنت فرمودند.

۷ - اشاره به اثرات دوستی و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام: پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله ضمن تلاوت سوره حمد تاکید فرمودند که منظور از

صراط مستقیم، اهل بیت علیهم السلام هستند و سپس به چندین آیه درباره مؤمنین و جایگاه ایشان در بهشت اشاره فرموده و همه را به شیعیان و پیروان آل محمد علیهم السلام معنی کردند و نیز آیاتی هم درباره منافقین و اهل جهنم و برادران شیاطین تلاوت فرموده و آنها را با دشمنان آل محمد علیهم السلام تطبیق فرمودند.

۸- درباره وجود مقدس حضرت بقیة الله الاعظم مهدی موعود (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) (چون این نوشته بر اساس این قسمت از خطبه تنظیم گردیده است، بنابراین در ادامه مفصلاً به آن اشاره خواهیم کرد.)

۹- مطرح کردن بیعت: بدین صورت که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از اتمام خطبه، مردم را ابتدا به بیعت با خودش و سپس حضرت علی علیه السلام فرا خواندند و فرمودند: بدانید که من با خدا بیعت کرده‌ام و علی با من بیعت کرده است و من از جانب



خداوند برای او از شما بیعت می گیرم.

۱۰- درباره حلال و حرام و واجبات و محرمات: در این زمینه مطالبی درباره حج و عمره بیان کرده و مختصری هم به نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر اشاره فرمودند؛ اما مقصد اصلی، این مطالب بود که فرمودند: اگر درباره حلال و حرام ابهامی ایجاد شد یا فراموش کردید، علی بن ابیطالب و امامان بعد از او برای شما بیان می کنند. عدد حلالها بیش از آن است که من همه آنها را در یک مجلس بیان کنم پس بیعت با امامان در واقع عمل به حلال و حرامی است که از زبان ایشان بیان خواهد شد. هر حلال و یا حرامی که بیان کردم هرگز از آنها بر نمی گردم و تغییر نخواهم داد. بالاترین امر به معروف آنست که پیام غدیر درباره امامت و امر کردن مردم به اطاعت از ایشان و نهی کردن از مخالفت با

ایشان را به دیگران برسانید. هیچ امر به معروف و نهی از منکری محقق نمی شود مگر با امام معصوم علیه السلام.

۱۱- بیعت گرفتن رسمی: در مورد کیفیت و نحوه بیعت

قبلاً به آن اشاره شد که با دست و زبان و قلب بیعت گرفته شد.

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به فضائل بی انتهای امیرالمؤمنین علیه السلام

اشاره کرده و فرمودند: ای مردم فضائل علی بن ابیطالب نزد

خداوند - که در قرآن آن را نازل فرموده - بیش از آن است که

همه را در یک مجلس بشمارم، پس هر کس درباره آنها به

شما خبر داد و معرفت آن را داشت او را تصدیق کنید<sup>۱</sup>.

### ثمره غدیر:

آنچه که در واقعه غدیر خم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سوی

پروردگار مأمور به آن شد مسئله تثبیت خلفای رسالت و

---

(۱) خطبه غدیر، بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۲۰۴ - ۲۱۷.

والیان و امامان بر امت تا روز قیامت بوده است نه فقط اعلام ولایت حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام. البته اگر باز هم با نگاه عمیقتری به فرازهای خطبه غدیر بنگریم به نتایج و دستاوردهای مهمتری می‌رسیم که با تطبیق آنها با برخی از روایات می‌بینیم که حتی موضوع امامت نیز مقدمه‌ای بر آن می‌باشد. وقتی به حقیقت خلقت انسان از دیدگاه ذات مقدّس پروردگار - به عنوان خالق اشرف مخلوقات - و اولیاء الهی توجه می‌کنیم می‌بینیم که رشد روحی و رسیدن به مقام عبودیت و بندگی در مقابل خداوند برای او مدّ نظر بوده است<sup>۱</sup> و کاملاً واضح و روشن است که گُرنش و خضوع در مقابل خالق، زمانی حاصل می‌گردد که شناخت و معرفتی نسبت به او وجود داشته باشد که علاوه بر عقلانی بودن این

---

(۱) سوره ذاریات: آیه ۵۶.

مطلب تأییداتی نیز از کلام بزرگان دین و روایات بر این اصل  
صحّه می گذارد. امّا آنچه در این میان مهمّ است چگونگی  
رسیدن به این شناخت و معرفت می باشد که می بایست مورد  
تأیید خداوند نیز واقع گردد؛ امّا چون درك انسان از چگونگی  
رسیدن به آن عاجز است و احتمال قوی دارد با وجود دو  
دشمن سرسخت به نام هوای نفس و شیطان به خطا برود و از  
طرفی هم عدم توانایی از درك واقعی صفات ذات مقدّس  
الهی، لازم است تا به طریق صحیح آن دست یابد؛ در این  
میان مهربانی بی بدیل خالق حقایق ایجاب می کند تا برای  
سرگردان نشدن انسانها و جلوگیری از گمراه شدنشان،  
خودش این راه و طریق صحیح را به ایشان نشان دهد و راه  
درست صحیح نیز آنست که انسان از آنهایی که این مسیر را به  
کاملترین نحو و به بهترین شیوه که با تعلیم مستقیم ذات مقدّس

پروردگار بوده است، بیاموزد. ایشان همان حجّتهای الهی هستند که در همه دوره‌ها و زمانهای مختلف از ناحیه پروردگار با علائم و نشانه‌هایی که همراه با معجزه بوده است انتخاب گردیده‌اند<sup>۱</sup> و همین اعجاز مهر تأیید الهی بوده است تا دیگری ادّعی باطل در این زمینه نداشته باشد و هم اینکه مردم ملاکی برای انتخاب درست داشته باشند. اما پرواضح است و تاریخ نیز گواه بر این که با وجود همه این دلایل قطعی هرگز بشریت بطور عمومی انتخاب صحیح را نکرد و بهتر بگوییم بیراهه را بر راه ترجیح داده و پشت به حجّتهای الهی کرد<sup>۲</sup>. از آنجا که شیوه خداوند بر اجبار و اکراه انتخاب طریق بندگی از سوی انسانها نبوده و همیشه برای بندگی از روی آگاهی

---

(۱) سوره جمعه: آیه ۲.

(۲) مطالعه تاریخ و آیات و روایاتی که بیانگر چگونگی رفتار و برخورد مردم با انبیاء و اولیاء و حجّتهای الهی بوده است.

ارزش قائل شده<sup>۱</sup>؛ با همه این بی تفاوتیهای بشر، خود بی تفاوت نبوده و اقتضای مهربانیش این بوده که همیشه حجت الهی در میان مردم باشد و به رشد فکری او برای رسیدن به معرفت الهی کمک کند<sup>۲</sup>. با رشد هر چند اندک و نا چیز بشر، امر الهی بر این واقع شد تا آخرین حجت‌هایش که در واقع بهترین و کاملترین مخلوقات عالم خلقتند و در مقام و منزلت نیز هیچ فردی حتی دیگر حجج الهی را یارای رسیدن به این جایگاه نیست، از عرش الهی بر روی زمین و با منت بر ساکنان آن فرود آیند تا زمینه را چه در برون و چه در درون انسانها برای رسیدن به مقام بندگی کامل مهیا سازند و اینان همان خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام و انوار مقدسه چهارده

---

(۱) سوره بقره: آیه ۲۵۶.

(۲) کافی: ج ۱ ص ۱۷۹.

معصوم عليه السلام هستند با ویژگیهای کاملاً منحصر بفرد و مختص  
ایشان که حتی بزرگترین حجّتهای خداوند و در رأس همه آنها  
انبیاء اولوالعزم (بجز وجود مقدّس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) فاقد آن  
هستند که مهمترین این ویژگیها عصمت از جهل است و  
همین جایگاه و ویژگیهای خاص باعث شده تا ایشان حتی بر  
دیگر حجج الهی نیز حجّت باشند و معلّمین ایشان لقب  
بگیرند<sup>۱</sup>. اولین ایشان حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله بود که در  
این دنیا در مقام رسالت مبعوث شده و به عنوان پیامبر حجّت  
بر مردم شد؛ هر چند در شرایطی دشوار و به اقتضای حکمت  
خداوند در میان مردمی جاهل قرار داشت، اما آنچه که لازم  
بود به فراخور درك انسانهای آن روز و به عنوان مقدمه برای  
مطالب و معارف دیگر، برای آنها تبیین فرمود. با اتمام دوره

---

(۱) زیارت جامعه کبیره.

تعلیم رسول گرامی اسلام، ایشان از ناحیه خداوند مأموریت یافت تا برای کامل شدن دین مردم با معرفی جانشینان بعد از خود یکی پس از دیگری، نعمت واقعی را که همان امامت و ولایت ایشان بر مردم است تمام کند<sup>۱</sup>؛ همان نعمتی که در روز قیامت راجع به آن از مردم سؤال می شود که با آن چه کردند<sup>۲</sup> و نیز اعلام دارد که رضایت خداوند در گرو قبول این ولایت و پیمودن طریق آنهاست. این فرمان الهی از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که دلسوز مردم و حریص بر هدایت ایشان بود<sup>۳</sup> به بهترین شکل ممکن در غدیر خم به انجام رسید که اجمالاً در صفحات گذشته به آن اشاره گردید. اما شواهد و قرائن نشان می دهد که از همان لحظه و بلکه قبل تر از آن شیاطین جنّی

---

(۱) سوره مائده: آیه ۳.

(۲) سوره تکوین: آیه ۸.

(۳) سوره توبه: آیه ۱۲۸.



و انسی کمر همت را بر این بسته بودند و هم پیمان شده بودند که مانع از محقق شدن این امر شوند و راه رسیدن به مقام بندگی و معرفه الله را ببندند و این کار را به کمک و سوسه های شیطان که برای همین جهت هم سوگند خورده است انجام دادند<sup>۱</sup>. با وجود همه دشمنیها، خاندان وحی به طُرُق مختلف در سدد این بودند تا مردم را به رشد روحی و معنوی که لازمه شرافت آنهاست برسانند و در این مسیر که البته رضایت و خواست الهی بر آن حاکم بود حتی از جان خود نیز مایه گذاشتند. اما چرا با اینکه اراده الهی از همان ابتدای خلقت بر بندگی همه انسانها قرار گرفته بود ولی تا این زمان اینگونه نشده است؟ باید گفت: این اراده، اراده ای است که حتماً باید با خواست مردم توأم شود تا آنچه منظور نظر

---

(۱) سوره ص: آیه ۸۲.

پروردگار است واقع گردد که متأسفانه تابحال اینگونه نبوده است! و یا به مرحله‌ای برسد که تحت هر شرایطی خداوند آن را محقق فرماید چه کسی بخواهد یا نخواهد که این نقطه نهایی است. مطلب فوق به معنای ایجاد حکومت الهی و ظهور دولت حق است که در تعالیم دینی همه ادیان الهی به آن اشاره گردیده است؛ هر چند این دولت طبق خواست خداوند از همان ابتدای خلقت انسان مورد نظر بود و به حکمت خود شرایط آنرا نیز فراهم فرمود، اما بدلائل کاملاً معلوم تا این زمان به ثمر نرسید! در واقع غدیر نیز نویدی بود بر ظاهر شدن این دولت از سوی بهترین مخلوقات عالم خلقت. ولی باورمان شود که بدون خواست مردم و با کارشکنی آنها آنچه که خواست خداست و آنچه که متضمن سعادت بشر در هر دو

---

(۱) عیون اخبار الرضا: ج ۲ ص ۲۶۶.

جهان است، واقع نمی‌گردد. رفتار انسانها که البته ادعای پیروی از رسول خدا را داشته و دارند و خود را مسلمان می‌نامند با جانشینان آن حضرت کاملاً ثبت شده و در این زمان به عینه مشاهده می‌شود؛ و از اینروست که می‌فهمیم با آنکه قرار بوده حتی این دولت بدست دیگر معصومین علیهم‌السلام ایجاد و حاکم شود، ولی تاکنون اینگونه نبوده است. پیامبر رحمت و رسول مهربانی با علمی که از ناحیه خداوند داشتند می‌دانستند که عامه مردم در اطاعت از ایشان و جانشینان بر حقش که در واقع منصوبین خداوند هستند سستی کرده حتی رفتارها و برخوردهای بسیار ناپسند و زشتی را با آنها خواهند داشت و هرگز اجازه نخواهند داد تا ایشان حکومت عدل الهی و دولت کریمه حق را که اساس آن بر بندگی خداوند و در صفا

---

(۱) بحار الانوار: ج ۴ ص ۱۱۴.

و صمیمیت قرار گرفته است ایجاد و مستقر کنند و این امر  
مهم بدست آخرین ایشان یعنی وجود مقدّس حضرت حجّة بن  
الحسن (ارواحنا فداه) محقق خواهد شد<sup>۱</sup>. هر چند به خاطر  
خبثت انسانها بالاجبار غیبتی بر آن عزیز عارض می گردد که  
هرگز منظور خداوند و راضی بر آن نبوده، امّا بشر خود بر این  
امر مقصر بود و باز با اینکه می توانست با به خود آمدن از ادامه  
و طولانی شدن آن جلوگیری کند اما دریغ از هوشیاری!<sup>۲</sup> لذا  
در این خطبه هم پیامبر ﷺ ضمن معرفی ائمه علیهم السلام و نام بردن  
صریح اوّلین، دومین و سومین امام معصوم و اشاره به  
انحصاری بودن این مقام در دوازده نفر که مابقی ایشان از نسل  
سومین امام یعنی حضرت حسین بن علی علیه السلام است که به تأیید

---

(۱) بحار الانوار: ج ۲۷ ص ۱۱۸.

(۲) الاحتجاج: ج ۲ ص ۸۹۸.

امام قبلی نیز می‌رسد، بیشترین تأکید را بر روی دوازدهمین ایشان فرمودند و ضمن چهار مرتبه یاد کردن با نام «مهدی»، در حدود ۲۰ جمله حکومت آن حضرت را تشریح فرمودند که به ترجمه آن در زیر اشاره‌ای خواهیم داشت:

«بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست. اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمین، اوست فاتح قلعه‌ها و منهدم کننده آنها، اوست غالب بر هر قبیله‌ای از اهل شرك و هدایت کننده آنها. بدانید که اوست انتقام هر خونی از اولیاء خدا. اوست یاری دهنده دین خدا. بدانید که اوست استفاده کننده از دریایی عمیق. اوست که هر صاحب فضیلتی را به قدر فضلش و هر صاحب جهالتی را به قدر جهلش نشانه می‌دهد. اوست انتخاب شده و اختیار شده خداوند. اوست وارث هر علمی و احاطه دارنده به هر فهمی. بدانید که اوست

خبر دهنده از پروردگارش، و بالا برنده آیات الهی. اوست  
هدایت یافته محکم بنیان. اوست که کارها به او سپرده شده  
است. اوست که پیشینیان به او بشارت داده‌اند. اوست که به  
عنوان حجّت باقی می‌ماند و بعد از او حجّتی نیست. هیچ  
حقّی نیست مگر همراه او، و هیچ نوری نیست مگر نزد او.  
بدانید او کسی است که غالبی بر او نیست و کسی بر ضد او  
کمک نمی‌شود. اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین  
خلقش و امین او بر نهان و آشکارش»<sup>۱</sup>.

بنابراین می‌بینیم که در همان زمان هم توجّه خاصی به  
وجود مبارك امام زمان (ارواحنا فداه) بوده است کما اینکه در  
زمان ائمه معصوم علیهم‌السلام دیگر نیز بدین گونه بوده است که گاهی  
روایاتی با محتوای عجیبی بیان فرموده‌اند که نشانه اهمّیت

---

(۱) خطبه غدیر.

دادن فوق العاده به جایگاه امام عصر (ارواحنا فداه) برای ایجاد همان دولت حقّ است. امید است که ما با تکیه بر ولایت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و کسب معرفت امام زمانمان و اطاعت از ایشان که در واقع اطاعت از خداست و فقط در سایه تهذیب و تزکیه نفس و دوری از هر گونه خطا و اشتباهی حاصل می‌گردد، زمینه را برای ظهور ظاهر کننده دولت حقّ و عدل مهیا کنیم و از مبلغین و مروّجین هدفی باشیم که مردم در واقعه غدیر خم و بعد از آن فراموش کردند. در همین راستا این دستور که در اعیاد بزرگی چون غدیر باید نشست و دعای ندبه خواند و در فراق یوسف آل رسول علیهم السلام اشک ریخت، می‌تواند قابل تأمل باشد! بنابراین باید گفت که:

**غدیر سر آغاز خوش یک پایان زیباست**

گویند گسان که روز عید آمده است

این نکته به طبع من بعید آمده است

عید است زمانی که بگویند همه

زان یار سفر کرده نوید آمده است

## هشدار پایانی :

هنگامی که پیامبر ﷺ از دنیا رفت و مردم غیر حضرت

علی علیه السلام را برای خلافت برگزیدند، ابلیس تاج پادشاهی بر

سر گذاشت و منبری قرار داد و بر روی آن نشست و شیاطینش

را جمع کرده و به آنها گفت: « شادی کنید، چرا که تا امام قیام

نکند خداوند اطاعت نمی شود»<sup>۱</sup>.

مشهد مقدّس - غدیر ۱۴۳۰

---

(۱) کافی: ج ۸ ص ۳۴۵.



## فهرست مطالب

۳	.....	مقدمه
۶	.....	غدیر
۱۱	.....	فراخوان عمومی برای حضور در غدیر:
۱۲	.....	غدیر کجاست؟
۱۴	.....	ترسیمی از صحنه غدیر:
۱۶	.....	بر فراز منبر:
۱۷	.....	تأکید بر ابلاغ:
۱۹	.....	مراسم بعد از خطبه:
۲۷	.....	پایان مراسم غدیر:
۲۷	.....	سیری گذرا بر خطبه غدیر:
۳۳	.....	ثمره غدیر:
۴۷	.....	هشدار پایانی: